

## تحلیل ژئوپلیتیکی تهدید تروریسم بوکوحرام در غرب آفریقا

دکتر مجید رسولی - استادیار گروه ژئوپلیتیک مرکز مطالعات آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر شهروز شریعتی - استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵

پیدایش و رشد گروه‌های سلفی از دهه ۱۹۹۰ میلادی از معضلات و بحران‌های غرب آفریقا است. در این میان، نیجریه، بزرگترین کشور مسلمان‌نشین قاره آفریقا، طی سه دهه گذشته از مهم‌ترین مناطق فعالیت گروه‌های سلفی بوده به گونه‌ای که فعالیت گروه‌های افراطی در این کشور موجب شکل‌گیری بحران و همچنین تسری ناامنی و بی‌ثباتی به فراسوی مرزهای این کشور شده است. گونه‌شناسی عملکرد بوکوحرام به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی در منطقه غرب آفریقا که ادعای برپایی خلافت اسلامی دارد، دارای سویه‌های مهم ژئوپلیتیکی است؛ پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی پسارویدادی انجام و داده‌ها و اطلاعات آن بر مبنای تحلیل روندها، ارزیابی می‌شود. این پژوهش بر مبنای آموزه‌های «نظریه امواج بین‌المللی تروریسم» ناظر بر این پرسش است که گسترش گروه تروریستی بوکوحرام چه تأثیری بر ژئوپلیتیک نیجریه و منطقه غرب آفریقا دارد و این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که بوکوحرام با بهره‌گیری از نیروهای سلفی در غرب آفریقا و با استفاده از الگوی موج چهارم تروریسم بین‌المللی می‌تواند تغییرات ژئوپلیتیکی را در نیجریه و منطقه غرب آفریقا موجب شود. یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که فعالیت‌های بوکوحرام در غرب آفریقا شباهت‌های قابل توجهی با فعالیت‌های داعش در غرب آسیا دارد.

واژه‌های کلیدی: تروریسم، ژئوپلیتیک، بوکوحرام، نیجریه، غرب آفریقا.

## ۱. مقدمه

مروری بر پیدایش و گسترش گروه‌های تروریستی مدرن نشان می‌دهد که تاکتیک‌ها و تکنیک‌های استفاده شده توسط آنها، واکنشی به تغییرات گسترده محلی، منطقه‌ای و جهانی در طول چند دهه اخیر بوده است. تقریباً اکثر این گروه‌ها در طول چند دهه گذشته و از میانه‌های دهه ۱۹۶۰ به وجود آمده‌اند (Ranstorp, 1996: 41-62). بوکوحرام از جمله گروه‌های تروریستی نوین در منطقه غرب آفریقا است که به دلیل سرعت گسترش فوق‌العاده و همچنین افزایش دامنه فعالیت‌ها و خشونت‌های آن، بعد از داعش به یکی از مهم‌ترین گروه‌های تروریستی جهان تبدیل شده است. شکست‌های سنگین داعش در سال ۲۰۱۷ و از دست دادن مناطق تحت تصرف خود در عراق و سوریه موجب شد که گروه تروریستی بوکوحرام نگاه‌ها را به سوی خود معطوف سازد (Nejat, 2019: 17). تروریسم بوکوحرام که در مقایسه با تروریسم آفریقا از پیچیدگی و درجه خشونت بالایی برخوردار است افزون بر ایجاد رعب و وحشت جهانی، دولت‌سازی را نیز در دستور کار خود دارد و تأکید این گروه بر مبارزه ایدئولوژیک علیه غرب موجب تمایز این گروه تروریستی در تاریخ تروریسم در غرب آفریقا شده است. به بیان بهتر در حالی که امواج پیشین تروریسم در غرب آفریقا همانند امواج بین‌المللی تروریسم در جهان عمدتاً یا مبتنی بر مارکسیسم و یا ناسیونالیسم و در مواردی آنارشیسم بودند؛ این نخستین بار است که در غرب آفریقا گروه‌های سلفی توانسته‌اند با توسل به ظواهر مذهبی موج جدیدی از تروریسم بنیادگرا را به صورت تمام عیار ساماندهی کنند. این گروه از سویی علیه دولت‌های اسلامی منطقه می‌جنگد و از سوی دیگر به شدت با اندیشه‌ها و نظام‌های سیاسی غربی مخالفت می‌ورزد و همانند داعش از وسایل و رسانه‌های ارتباطی مدرن استفاده می‌کند. پژوهش حاضر با استناد به آموزه‌های نظریه «امواج بین‌المللی تروریسم» و مفروض داشتن بوکوحرام به عنوان نمادی از موج چهارم تروریسم بین‌المللی این پرسش را مطرح می‌کند که تهدید بوکوحرام در منطقه غرب آفریقا چگونه می‌تواند ژئوپلیتیک این منطقه را متأثر از خود کند؟ فرضیه ذیل این پژوهش ناظر بر این نکته است که ماهیت تروریسم بوکوحرام که منطبق با موج چهارم تروریسم بین‌المللی است قابلیت ایجاد تغییرات ژئوپلیتیکی را در مناطق غربی و شمال غربی آفریقا دارد. نوآوری و

ضرورت پژوهش حاضر در این است که بیشتر تحقیقات و پژوهش‌ها درباره تروریسم بر خاورمیانه متمرکز بوده‌اند و از سویی ابعاد ژئوپلیتیکی امواج بین‌المللی تروریسم و همزمان امکان دولت‌سازی گروه‌های تروریستی و استفاده بوکوحرام از خلأ قدرت به ویژه در غرب آفریقا مورد بررسی دانشگاهی قرار نگرفته است. به لحاظ پیشینه پژوهش، در خصوص گروه‌های افراطی فعال در قاره آفریقا به ویژه بوکوحرام منابع و ادبیات غنی به زبان فارسی در دست نیست و بیشتر آثاری که موجودند به کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا محدود شده است. به همین علت، تحقیق حاضر درصدد است تا با بررسی ویژگی‌های موج چهارم تروریسم بین‌المللی، پیامد روند رشد این موج تروریسم را در تحولات ژئوپلیتیکی غرب آفریقا مورد توجه قرار دهد.

## ۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت، بنیادی و از لحاظ روشی توصیفی-تحلیلی پسارویدادی است. شیوه تحلیل در این مقاله مبتنی بر آموزه‌های کیفی «تأثیر روند» است. تحلیل تأثیر روند، یکی از پرکاربردترین روش‌های آینده‌پژوهی است و از آن می‌توان برای پیش‌بینی، برنامه‌ریزی‌های احتمالی، تحلیل گزینه‌های سیاسی و برنامه‌ریزی راهبردی استفاده کرد. در این روش، روند تحت تأثیر توالی رویدادها قرار می‌گیرد و منظور از رویدادها نیز همان اتفاقی‌های مهمی هستند که تحلیل وقوع آن‌ها در شکل‌گیری آینده می‌تواند نقش مهمی ایفا کند (Cornish, 2004). بر این اساس، روندها، زنجیره مستمر رویدادها هستند که هم وضعیت کنونی را مشخص می‌کنند، هم از موقعیت‌های احتمالی آینده خبر می‌دهند (Gordon, 1994:2). داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز این پژوهش با بررسی گزارش‌های دست اول و معتبر از منابع داخلی و بین‌المللی گردآوری شده است.

## ۳. چارچوب مفهومی و نظری

### ۳-۱. مفهوم ژئوپلیتیک

تعریف ژئوپلیتیک همانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی با پیچیدگی و عدم اجماع مواجه است. با این حال در تعریف این مفهوم بر ارتباط متقابل قدرت و جغرافیا تأکید زیادی وجود دارد. در یک تعریف تا حدودی پذیرفته شده در محیط آکادمیک ایران، ژئوپلیتیک علم مطالعه

روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر است. در این تعریف عنصر جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. عنصر سیاست نیز در سه حوزه ایدئولوژی و اندیشه سیاسی، ساختارها و سیستم سیاسی نظیر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای اجتماعی و مدنی و نیز کنش و رفتار سیاسی که از سوی بازیگران در پیش گرفته می‌شود، مدنظر است. عنصر قدرت نیز در هر سطحی و در هر بعدی چه از نظر تولید و چه از نظر کاربرد و چه از نظر الگوی پخش و رده بندی، به نحوی از عناصر دیگر یعنی جغرافیا و سیاست متأثر بوده و متقابلاً بر آنها تأثیر می‌گذارد را شامل می‌شود. بنابراین متغیرها، پدیده‌ها و موضوعات ژئوپلیتیک نیز حاصل تأثیرات متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست هستند.

### ۲-۳. نظریه امواج بین‌المللی تروریسم

تروریسم نوین استعاره‌ای از اصطلاحات خاص سیاسی است که هر یک از قدرت‌ها در راستای تحقق اهداف ژئوپلیتیکی خود، تعریف متفاوتی از آن ارائه می‌کنند (Ahmadipour et al, 2017:29). آنچه تروریسم مدرن را از سایر اشکال خشونت متمایز می‌کند این است که تروریست‌ها به دنبال ایجاد ترس در میان حداکثر افراد هستند تا بدین وسیله بتوانند به اهداف خود برسند. باوجود تعاریف زیاد از پدیده تروریسم می‌توان به بخش‌هایی از تعریف جامع و مفصل «الکس اشמיד» اشاره کرد که برگرفته از ۲۵۰ تعریف از پدیده ترور است و بر اساس آن تروریسم «دکترین اثربخش تولید وحشت» است که از سوی دولت‌ها یا بازیگران غیر دولتی، «صرف نظر از محدودیت‌های اخلاقی و قانونی» اعمال می‌شود (Schmid, 2011:86-87). از نظر هانا آرنت نیز گروه‌های مدرن ترور، تأکید خاصی بر تبلیغات دارند تا از این طریق توده‌ها را به سوی جنبش جذب کنند (Arendt, 2013:140).

یکی از مهم‌ترین تلاش‌ها برای توضیح ماهیت تروریسم عصر مدرن در بستر تاریخ از سوی «دیوید راپاپورت»<sup>۲</sup> استاد علوم سیاسی دانشگاه کالیفرنیا به‌عمل آمده است. این متخصص تاریخ

---

1. Alex P. Schmid  
2. David Rapoport

تروریسم، طی مقاله‌ای با عنوان «چهار موج تروریسم مدرن<sup>۱</sup>» دیدگاه خود در خصوص گونه‌شناسی تاریخی تروریسم بین‌المللی و چگونگی تحول آن را در قالب یک فرآیند ارائه کرده است. مطابق نظریه وی، تروریسم بین‌المللی در دنیای «پسا وستفالی» تاکنون و به ترتیب چهار موج آنارشستی ملی‌گرایی (ضداستعماری)، چپ نو و مذهبی را تجربه کرده است (Rapoport, 2004: 51-62). از نظر راپاپورت، موج چهارم از اواخر دهه ۱۹۷۰ همزمان با حمله اتحاد شوروی به افغانستان در خاورمیانه ظهور یافت. حمله شوروی به افغانستان موج جدیدی از شورش‌های داخلی را برانگیخت و موجب شکل‌گیری جنگ مقدس یا همان جهاد علیه کفار شد. وی همچنین معتقد است که این موج به سرعت جهت‌گیری مذهبی پیدا کرد و به اسلام مبارز تبدیل شد و اهداف خود را با استفاده از تاکتیک بمب‌گذاری انتحاری عملیاتی کرد (Rapoport, 2004: 61-62). استفاده از تعبیر امواج بین‌المللی تروریسم در آثار متخصصان تروریسم مسبوق به سابقه است. «جفری کاپلان<sup>۲</sup>» دیگر محقق برجسته حوزه تروریسم نیز در سال ۲۰۰۷ در مقاله‌ای تحت عنوان «موج پنجم: قبیله‌گرایی جدید<sup>۳</sup>» با نماد قرار دادن دولت خمر سرخ در کامبوج، افزون بر امواج آنارشستی، ملی‌گرایی، چپ‌نو و مذهبی به تبیین موج پنجمی از تروریسم پرداخت که نژادپرستی، نسل‌کشی، ربودن کودکان و خشونت جنسی از مهم‌ترین ویژگی‌های این موج به شمار می‌رود (Kaplan, 2007). «جفری سیمون<sup>۴</sup>» نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «چشم‌انداز موج پنجم تروریسم جهانی<sup>۵</sup>» بدون ارائه مصداق و نمادی از یک گروه یا جنبش خاص، این استدلال را مطرح می‌کند که پیشرفت تکنولوژی و جهانی‌شدن زمینه را برای شکل‌گیری موج پنجم تروریسم فراهم کرده است که به نظر می‌رسد برخلاف کاپلان، وی تمرکز خود را در این اثر فقط به تاریخ و عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری موج معطوف ساخته است (Simon, 2010).

1. The Four Waves of Modern Terrorism
2. Jeffrey Kaplan
3. The Fifth Wave: The New Tribalism
4. Jeffrey D. Simon
5. Prospects for a Fifth Wave of Global Terrorism

در همین حال «هونینگ<sup>۱</sup>» و «یاهل<sup>۲</sup>» نیز با کاربست مفهومی تحت عنوان «تروریست‌های شبه دولتی» استدلال می‌کنند موج پنجم تروریسم بین‌المللی در واقع گروه‌های شورشی مسلمان هستند که کنترل بخش‌هایی از قلمرو یک کشور ضعیف را به دست می‌آورند و با ایجاد حاکمیتی جدید بر حملات تروریستی علیه سایر کشورهای اسلامی همسایه متمرکز می‌شوند. به باور این دو پژوهشگر حوزه تروریسم، بیشتر قربانیان این موج پیروان همان دین، یعنی مسلمانان هستند و رفتار آنها بر خلاف اظهارات آنان نشان می‌دهد که آنها یک برنامه محلی و نه یک برنامه جهانی دارند (Honig and Yahe, 2019). مطابق این چارچوب نظری، بوکوحرام را می‌توان گروهی تروریستی در موج‌های متأخر تروریسم بین‌المللی ارزیابی کرد که نسبت به سایر گروه‌های تروریستی مشابه این گروه در قاره آفریقا توان کسب دستاوردهای ژئوپلیتیکی بیشتری دارد. به بیان بهتر تروریسم بوکوحرام منبث از موج چهارم بین‌المللی تروریسم، دارای ماهیتی شبه‌مذهبی با کنش سیاسی و ایدئولوژیک است که اقدامات خشونت‌آمیز تروریستی را در پوشش واژگان مذهبی و غیرقابل مصالحه انجام می‌دهد؛ اجرای عملیات انتحاری، استفاده از رسانه‌های اجتماعی مانند اینترنت و شبکه‌های مجازی، داشتن توان نظامی بالا، جنگ با ارتش‌های رسمی و منظم کشورهای مورد هدف، اشغال بخشی از سرزمین کشورهای عضو سازمان ملل، توانایی بالای مالی و کسب ثروت از طریق گروگان‌گیری، قاچاق کالا، ارز و فروش اسیران غیرنظامی به قاچاقچیان کشورهای دیگر در کنار فهم جدیدی از مفهوم دشمن که نه تنها نسبت به تروریسم سستی خطرناک‌تر است، بلکه حتی کنترل آن نیز دشوارتر است (Burnett and Whyte, 2005:5). از مهم‌ترین برنامه‌های این گروه تروریستی برای نیل به اهداف به شمار می‌رود.

---

1.Or Arthur Honig  
2.Ido Yahel  
3.Terrorist Semi-States (TSS)

#### ۴. یافته های تحقیق

##### ۴-۱. نسبت سنجی بوکوحرام با موج چهارم تروریسم بین‌المللی

بررسی وجوه مشترک بوکوحرام با مصادیق امواج پیشین تروریسم بین‌المللی و به‌ویژه با گروه القاعده و سایر گروه‌های تروریستی مذهبی که دیوید راپاپورت آن را مصداق بارز موج چهارم یا تروریسم مذهبی می‌داند، می‌تواند واجد دستاوردهای مهم نظری برای «تحلیل روند» این گروه باشد. اعضای بوکوحرام خود را با نام «جماعه اهل السنه للدعوه و الجهاد» معرفی می‌کنند و واژه محلی بوکو حرام نیز بدین معناست که آموزش فرهنگ و علم به سبک غربی حرام است. خاستگاه بوکوحرام، دو ایالت از دوازده ایالت با اکثر مردمان مسلمان در شمال نیجریه‌اند. از دید تاریخی، سرزمین‌های شمال شرقی نیجریه که بوکوحرام از آن جا سربرآورده است، تهدیدستی و توسعه‌نیافتگی را در سایه بی‌توجهی دولت تجربه کرده‌اند و از همین رو، زمینه‌ساز گرایش‌های افراطی شده‌اند (Marshall, 2012:3). بوکوحرام مانند دیگر گروه‌های همسوی خود در خاورمیانه سایر گروه‌های اسلامی را تکفیر می‌کند و به رفتار خشونت‌آمیز خویش علیه آن‌ها مشروعیت می‌بخشد (Mahmood and Ndubuisi, 2018:3). به طور کلی، گروه بوکوحرام تحت تأثیر آرای «محمدیوسف»، مؤسس این گروه، بر مبنای ایدئولوژی مقابله با غرب و تمدن مادی آن بنا شده است. این گروه در سال‌های نخست تأسیس، نظر به تلاش‌هایش برای تطبیق شریعت اسلام به صورتی متفاوت با چهارچوب سیاسی و دینی دولت نیجریه، طالبان نیجریه نامیده می‌شد (Chikwem, 2013:158). اعضای بوکوحرام مخالفان خود را «یان بوکو» می‌خوانند که به معنای کسانی است که فرزندان کتاب هستند، ولی از خدا و ارزش‌های اسلامی روی برگردانده و به ارزش‌ها و فرهنگ فاسد و منحرف غربی روی آورده‌اند (Doukhan, 2013:4). به منظور تبیین تهدید ژئوپلیتیکی بوکوحرام، فهم نحوه حکمرانی این گروه تروریستی از دو منظر «ایدئولوژیک» و «تشکیلات» شایسته توجه نظری جدی است.

#### ۱-۴-۱. مبانی ایدئولوژیکی تروریسم در بوکوحرام

بوکوحرام و سایر گروههای سلفی جهادی فعال در آفریقا، از لحاظ ایدئولوژیک تحت تأثیر فرهنگ اصلاحات مذهبی در جهان عرب، جهان اسلام هستند (Shabana, 2014). مروری بر آموزه‌های فکری این گروه به ویژه در اسنادی نظیر کتاب «مدارس بین المللی: خارجی-استعماری»<sup>۱</sup> تألیف «بکر بن عبدالله ابوزید» که موضوع آن بررسی سیاست‌های استعماری کفار بر بلاد مسلمین است بیانگر این نکته است که این گروه ضمن استفاده از جذابیت‌های موج دوم تروریسم بین‌المللی که بر ناسیونالیسم، خاک و بیگانه‌ستیزی نظر داشت و تلفیق آن با جذابیت‌های موج چهارم تروریسم بین‌المللی در حال پیشبرد پروژه دولت‌سازی در غرب آفریقا هستند. کتاب «مفاهیم نظری در سیاست: برنامه‌های کاربردی مشروع و واکنش‌های حماسی آ»<sup>۲</sup> تألیف «شیخ عبدالمالک بن احمد بن المبارک رمضانی الجزایری» که سرشار از نقل قول‌های ابن تیمیه و ابن قیم جوزیه و بخش عمده‌ای از آن نیز به مفهوم جهاد اختصاص دارد در کنار کتاب «حاکمیت جهل»<sup>۳</sup> که مجموعه‌ای از مقالات و نظریات «شیخ احمد محمد شاکر» است و توسط فرزندش استاد اسامه گردآوری شده، از دیگر منابع فکری مورد اعتماد بوکوحرام است. از مباحث مهم این کتاب‌ها می‌توان به لزوم تبعیت قوانین کشورهای مسلمان از سنت و کتاب، عدم تبعیت از قوانین کشورهای اروپایی، رعایت تفکیک جنسیتی در مدارس، آموزش و تعلیمات دینی در مدارس، رد نظریه داروین، عدم اطاعت از کفار و احکامی در مورد حضور زنان در ارتش اشاره کرد (Shaker, 1994: 260-263). کتاب «سکولار»<sup>۴</sup> نوشته احمد شاکر نیز از دیگر آثار مورد تأکید و توجه بوکوحرام است که این کتاب نیز بر پروژه اروپا ستیزی و غرب ستیزی تأکید دارد. به طور کلی، بوکوحرام از منظر فکری بیشتر بر مباحث و آثاری تمرکز دارد که ترور و خشونت را ترویج می‌کنند. از جمله دیگر این کتاب‌ها می‌توان به «ریاض الصالحین»، «بلوغ المرام»، «الرساله»، «الاصول الثلاثة» و «التوحید» و کتاب‌های «ابوالاعلی المودودی» و «سید قطب» اشاره کرد که دو

۱. المدارس العالمیه؛ الاجنبیه-الاستعماریه

۲. مدارک النظر فی السیاسه: بین التطبيقات الشرعیه و الانفعالات الحماسیه

۳. حکم الجاهلیه

۴. العلمانیه



کتاب اخیر اصول فکری جریان اخوان المسلمین را شکل داده بودند. در این راستا، محمد یوسف با تأسی از سید قطب و برادرش محمد قطب، حکومتی را که در آن قانون شریعت اسلامی رعایت و اجرا نشود حکومت جاهلی می‌نامید (Shukri, 2015: 17). و رهبران بوکوحرام نیز تأکید می‌کنند که فتوهای صادر شده آنان مبنی بر ممنوعیت آموزش به سبک غرب همه از فتاوی علمای پیشین سرچشمه گرفته است و این گروه نقشی جز ترجمه آن‌ها به زبان هوسایی ندارد. البته بوکوحرام کتاب‌های ویژه‌ای دارد که نویسندگان آن‌ها بنیانگذاران بوکوحرام از جمله محمد یوسف هستند؛ برای مثال کتاب «این عقیده و آئین دعوت ماست» و کتاب «جاء الحق» از جمله آثاری محسوب می‌شوند که برجسته‌ترین اصول ایدئولوژیک بوکوحرام را نشان می‌دهند. بر مبنای این آثار استدلال می‌شود که دموکراسی به دلیل متضاد بودن با اسلام به طور کلی حرام اعلام است و سیاستمداران منتخب به وسیله انتخابات، به دلیل اعتقاد به نظامی که اساس آن مخالف اسلام است کافر توصیف می‌شوند (Yusuf, 2008: 116). به زعم محمد یوسف، اشتغال زیر نظر دولتی که بر اساس قرآن و سنت عمل نمی‌کند و همچنین فعالیت در پلیس و ارتش وابسته به این حکومت هر دو حرام خواهد بود (Yusuf, 2008: 119).

#### ۲-۱-۴. روابط بوکوحرام با گروه‌های موج چهارم تروریسم

بوکوحرام با بسیاری از گروه‌های تروریستی سلفی نظیر «القاعده»، «طالبان»، «القاعده در مغرب اسلامی»، «جنبش توحید و الجهاد» در غرب آفریقا، «انصارالدین»، «الشباب»، «انصار المسلمین» سودان و «داعش» که همگی آنها را می‌توان نمادی از موج چهارم تروریسم بین‌المللی دانست، ارتباط دارد. این گروه تروریستی شماری از عناصر خود را به جنگ در مالی برای کمک به گروه «القاعده در مغرب اسلامی» اعزام کرد و این مسئله در برقراری روابط میان زیرشاخه‌های القاعده با بوکوحرام نقش بسزایی داشت. تروریسم بوکوحرام در اقدامات خشونت‌آمیز خود نیز تشابه زیادی با سایر گروه‌های تروریستی موج چهارم دارد. بوکوحرام همانند سایر گروه‌های وابسته به موج چهارم تروریسم بین‌المللی و به ویژه داعش، تاکنون هزاران نفر مسلمان را در نیجریه، چاد و کامرون به قتل رسانده است؛ این گروه همچنین برخی از روستاهای مسیحی‌نشین را در نیجریه

آتش زد و با ۲۷۶ دختر ربوده شده همانند بردگان رفتار کرده است. با نگرشی اجمالی در اندیشه‌ها و اهداف این گروه می‌توان دریافت که تأسیس حکومت اسلامی، بازگشت به سلف صالح، برخورد با نیروهای غربی، استقلال و خودباوری و برقراری نظم و... مهمترین انگیزه‌های تأسیس این گروه بوده است. بوکوحرام با الگوبرداری از اقدام داعش در سرزمین عراق و شام، خلافت اسلامی را اعلام کرده است (Nejat, 2019: 132). که اعلام این خلافت می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی زیادی در غرب آفریقا ایجاد کند.

#### ۳-۱-۴. ساختار تشکیلاتی بوکوحرام

مقایسه ساختار سازمانی سلسه‌مراتبی و هرمی بوکوحرام با سایر گروه‌های فعال موج چهارم تروریسم از مشابهت‌های جدی بین این دو حکایت دارد. به طور کلی، ساختار تشکیلاتی بوکوحرام از شش بخش تشکیل شده است. در بخش اول و در رأس هرم، امیر یا رهبر گروه حضور دارد که ریاست آن را از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ محمد یوسف برعهده داشت. پس از مرگ یوسف، «ابوبکر شیکاو» به این سمت رسید؛ بخش دوم، شامل معاونان اول و دوم رهبر گروه است و بخش سوم نیز مجلس شورا قرار دارد که از هجده عضو تشکیل شده است؛ بخش چهارم، امیران ولایت‌ها؛ بخش پنجم فرماندهان محلی و در بخش پایانی و ششم فرماندهان سلول‌ها استقرار یافته‌اند (Be-Atayyib, 2014).

محمد یوسف ارکان متعددی را در ساختار تشکیلاتی گروه ایجاد کرد؛ که از جمله آن‌ها تأسیس مجلس شورا است که به مثابه هیئت اجرایی و قوه مجریه عمل می‌کند و در واقع، این مجلس حلقه وصل و کانال رسمی ارتباط با فرماندهان اصلی در سراسر ایالت‌ها و همچنین ارزیابی فعالیت‌های فرماندهان اصلی در مناطق محلی به شمار می‌رود. ساختار سازمانی بوکوحرام پس از بیعت با ابوبکر شیکاو، شاهد پیشرفت ریشه‌ای و گسترده بود، به طوری که ساختار سازمان با درجه بالایی از عدم تمرکز شناخته شد. در زمان رهبری ابوبکر شیکاو، بوکوحرام الگوی شبکه‌های خوشه‌ای را در پیش گرفت. این روش هر گروهی را قادر خواهد ساخت که تقریباً به شکل مستقل عمل کند و در صورت سقوط، گروه دیگری در معرض خطر کشف شدن یا دستگیری قرار نگیرد. در واقع، شیکاو به منظور کاهش تمرکزگرایی رویکرد جدیدی را در

ساختار تشکیلاتی بوکوحرام ایجاد کرد (Onawa,2015:1). قوه قضائیه در ساختار تشکیلاتی گروه بوکوحرام نیز حول یک شخص می‌چرخد و او رهبر معنوی گروه است. وی داور، قانون‌گذار فقیه و صادر کننده فتوای کشتار غیرمسلمانان و اعلام جنگ علیه مسیحیان است. علاوه بر این، تصویب قانون وادار کردن مردم به گرویدن به دین اسلام با زور و اجبار در کنار وادار کردن زنان و دختران به ازدواج را نیز باید ذکر کرد (Nejat,2019:132). شکل (۱) ساختار سازمانی بوکوحرام را نشان می‌دهد:

شکل (۱): مدل مفهومی ساختار سازمانی بوکوحرام



#### ۲-۴. اقدامات تروریستی بوکوحرام

در ژوئیه ۲۰۱۰ و پس از آن که ابوبکر شیکاو، رهبری بوکوحرام را برعهده گرفت تهدید کرد که به منافع کشورهای غربی حمله خواهد کرد. بوکوحرام به مانند سایر گروه‌های تروریستی منتسب به موج چهارم تروریسم بین‌المللی، با انجام نخستین هجوم انتحاری، صحنه امنیت داخلی نیجریه را به صورت دراماتیک تغییر داد. این هجوم در ژوئن ۲۰۱۱ و در مرکز اصلی پلیس در پایتخت فدرال ابوجارخ داد (BBC NEWS,2011). در اوت ۲۰۱۱ نیز یک بمب گذار انتحاری بوکوحرام با خودرو به دفتر سازمان ملل متحد در ابوجا حمله کرد. ابوبکر شیکاو پس از این حملات در

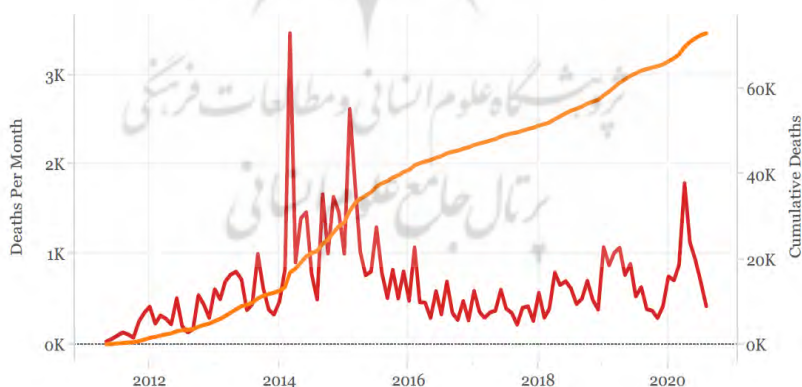
ویدئویی تأکید کرد: «سازمان ملل محل تجمع و گردهمایی نیروهای جهانی شیطان» و «ابزار دست ایالات متحده» است و حمله به این ساختمان، «حمله به نیروهای کافر غربی» بوده است (Marshal, 2012:5). جدول (۱) که از سوی نگارندگان با بررسی گزارش‌های خبری تهیه شده فهرست برخی از مهم‌ترین حملات تروریستی بوکوحرام را در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ نشان می‌دهد:

جدول (۱): فهرست برخی از حملات تروریستی بوکوحرام در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰

تاریخ	وسیله	هدف (محل انفجار)	نتیجه عملیات
۲۶ اوت ۲۰۱۱	بمب گذاری خودرو	ساختمان سازمان ملل ملل متحد در ابوجا	۲۴ کشته و بیش از صد زخمی (اولین حمله بوکوحرام به یک سازمان بین‌المللی)
۴ نوامبر ۲۰۱۱	بمب گذاری خودرو	مرکز نیروهای مشترک در مایدوگوری (ایالت بورنو)	در این هجوم، یک بمب گذار انتحاری همراه با یکی از سربازان کشته شد.
۲۶ آوریل ۲۰۱۲	بمب گذاری خودرو	دفتر چند روزنامه در ایالت کادونا	۳ تن کشته و ۲۵ زخمی
۳۰ آوریل ۲۰۱۲	موتور سیکلت‌های مملو از مواد منفجره	گروه سواره نظام کمیسر پلیس در ایالت تاراوا	سه بمب گذاری انتحاری موتورسوار با گروه سواره نظام کمیسر پلیس برخورد کردند این حادثه حداقل ۱۱ کشته برجای گذاشت.
۲۰ فوریه ۲۰۱۴	بمباران	روستای رابیم ایالت بلاتو	کشته شدن ۱۳ تن از جمله ۹ کودک
۵ آوریل ۲۰۱۴	انفجار	روستای بونی گاری در ایالت یوبه	کشته شدن حداقل ۲۰ تن
۶ ژوئن ۲۰۱۴	انفجار خودرو بمب گذاری شده	ایالت گویمه	کشته شدن چهار شهروند
۱۰ ژوئن ۲۰۱۴	آدم ربایی	شهر گارکین در شمال شرقی نیجریه	ربوده شدن چهل زن
۲۱ ژوئن ۲۰۱۴	بمباران	شهر ماداگالی در ایالت آداماوا	کشته شدن ده‌ها تن و فرار هزاران نفر
اول ژانویه ۲۰۱۵	انفجار	باگا در شمال شرقی نیجریه	قتل عام شهر و ویرانی آن و همچنین ۲۰۰۰ کشته
۱۷ ژوئن ۲۰۱۶	حمله انتحاری	شهر کودا	حمله به تشییع جنازه ۲۴ کشته و ۱۰ زخمی
۲۱ نوامبر ۲۰۱۷	بمباران	شهر مومی	حمله انتحاری ۵۰ نفر کشته
۱۹ فوریه ۲۰۱۸	آدم‌ربایی	دختران مدرسه دابیچی	۱۱۰ دختر ربوده شدند.
۱۷ ژوئن ۲۰۱۹	بمب گذاری	شهر کندوگا	۳۰ کشته و ۴۰ نفر زخمی
۶ ژانویه ۲۰۲۰	بمباران	شهر گامپورو	۳۲ کشته ۵۵ زخمی

بوکوحرام از نیمه دوم سال ۲۰۱۳ نیروهای امنیتی وابسته به دولت و همچنین غیرنظامیان از جمله زنان و روحانیون مخالف را بارها هدف قرار داده است و در پی افزایش نفوذ این گروه در کشور مالی، حملات بوکوحرام در کشورهای همسایه نیز افزایش یافته است به نحوی که بوکوحرام در سال ۲۰۱۴ عنوان مرگ‌بارترین گروه تروریستی جهان را به خود اختصاص داد (Karam, 2014:11). از ژوئن ۲۰۱۱ تا ژوئن سال ۲۰۱۸، پایگاه داده‌های امنیتی نیجریه<sup>۱</sup> ۲۰۲۱ واقعه مربوط به بوکوحرام را ثبت کرد، که در آن حدود ۳۸ هزار نفر کشته شدند. پروژه گردآوری داده‌های مربوط به رویدادها و درگیری‌های مسلحانه نیز ۳۳۴۶ واقعه را شناسایی کرد که در آن ۳۴۲۶۱ نفر کشته شدند. گرچه پروژه گردآوری داده‌های مربوط به رویدادها و درگیری‌های مسلحانه، به سمت تخمین تلفات کمتر و برآورد بالاتر پایگاه داده‌های امنیتی نیجریه گرایش دارد اما هر دو پیشرفت یکسان را نشان می‌دهند. طبق این داده‌ها، غیرنظامیان تقریباً ۴۵ درصد از تلفات ناشی از درگیری را متحمل شده‌اند. شکل (۲) نیز میزان کشتار این گروه تروریستی را طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ از سوی یک پژوهشگر بین‌المللی تروریسم، نشان می‌دهد:

شکل (۲): نمودار تعداد کشته‌های ناشی از حملات تروریستی بوکوحرام از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰



Source: (Campbell, 2020)

1. Nigeria Security Tracker (NST)
2. The Armed Conflict Location & Event Data Project (ACLED)

با وجود سابقه طولانی شورش‌های مردمی علیه اقتدار دولت در غرب آفریقا، به ویژه در نیجریه، بمب‌گذاری‌های انتحاری به عنوان یک سلاح سیاسی تقریباً قبل از سال ۲۰۱۱ در منطقه غرب آفریقا وجود نداشت و بوکوحرام از آن زمان همانند موج چهارم تروریسم بین‌المللی حملات انتحاری را به عنوان یک تاکتیک مهم در مبارزه با اقتدار دولت اتخاذ کرده است. نکته قابل تامل در این میان اینکه، یکی از تاکتیک‌های نوینی که بوکوحرام در عملیات انتحاری اتخاذ کرده، بهره‌گیری از زنان و کودکان در عملیات‌های انتحاری است (Onawa, 2015:2). نخستین عملیات از موج جدید بمب‌گذاری انتحاری زنان در ۸ ژوئن ۲۰۱۴، توسط زنی میانسال در شهر گومبه انجام شد که در آن، یک پلیس نیجریه‌ای کشته شد. از خونین‌ترین نوع این حملات انتحاری می‌توان به عملیات انتحاری ۲۷ نوامبر ۲۰۱۴ اشاره کرد که در بازار شهر مایدوگوری و به وسیله دو زن صورت گرفت. این عملیات انتحاری ۷۸ کشته و دهها زخمی بر جای گذاشت (weise, 2015:43). مرکز مقابله با تروریسم در «وست پوینت»<sup>۱</sup> و «دانشگاه ییل»<sup>۲</sup> در پژوهشی با بررسی ۴۳۴ انفجار انتحاری توسط بوکوحرام مستقر در نیجریه از سال ۲۰۱۱ مشخص کرد که دست کم ۲۴۴ مورد از ۳۳۸ حمله توسط زنان صورت گرفته است. در این گزارش تحقیقاتی همچنین آمده است که بوکوحرام در حال استفاده از کودکان به عنوان عامل انتحاری است. از این منظر، بوکوحرام که نخستین گروه تروریستی تاریخ بوده است که در عملیات‌های انتحاری بیشتر از زنان به جای مردها استفاده می‌کند، پیشگام استفاده از کودکان در این نوع اقدامات نیز شده است (kriel, 2017:11). بنابر گزارش ماریکسی مرکادو<sup>۳</sup>، سخنگوی صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، گروه بوکوحرام فقط در سال ۲۰۱۷ از ۸۳ کودک به عنوان بمب انسانی استفاده کرد که دوسوم آنان دختر بودند (Tsjeng, 2017:28).

### ۳-۴. موقعیت ژئوپلیتیکی بوکوحرام در نیجریه

جمهوری فدرال نیجریه که پرجمعیت‌ترین کشور قاره آفریقا است از شرق با کامرون، از شمال با نیجرا، از شمال غربی با چاد و از غرب با بنین مرز مشترک دارد و از جنوب نیز به خلیج گینه

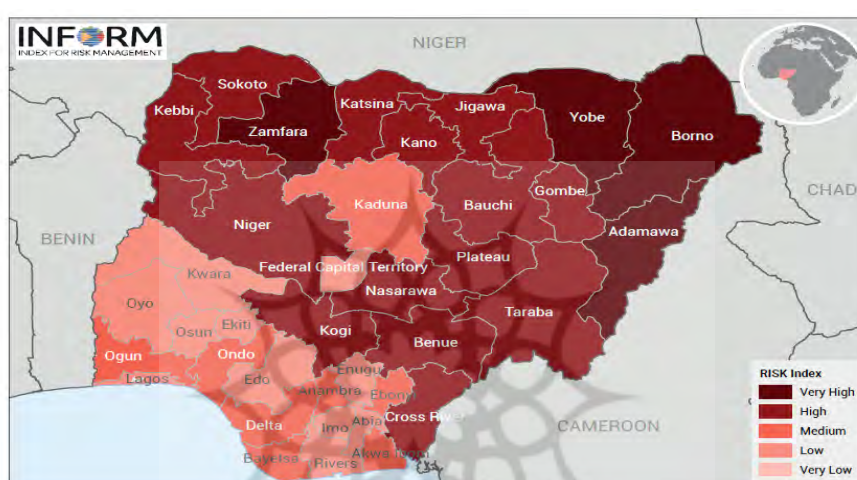
1. West Point

2. Yale University

1. Marixie Mercado

محدود می‌شود (Embassy of the Islamic Republic of Iran in Nigeria, 2016:1). شکل (۳) برآورد سازمان ملل متحد، درباره مناطق مستعد ایجاد بحران‌های مختلف را، در نیجریه نشان می‌دهد که بر طبق آن اکثر مناطق مسلمان‌نشین این کشور مستعد بحران ارزیابی شده است.

شکل (۳): نقشه مناطق مستعد بحران در سرزمین نیجریه



Source: (Nigeria Inform Risk Index, 2019)

مردم ایالت‌های شمالی نیجریه عمدتاً مسلمان هستند و بر اساس برخی از گزارش‌ها، بیش از ۵۰ درصد از جمعیت نیجریه را مسلمانان تشکیل می‌دهند به نحوی که در نوزده ایالت در شمال نیجریه اکثریت مطلق به شمار می‌روند (Fathi, 2015:11). نیجریه از زمان استقلال در سال ۱۹۶۰ تاکنون صحنه تقابل و رقابت سه قبیله مهم هوسا، یوروبایا و ایبو بوده است و نخبگان سیاسی و اجتماعی این قبایل همواره برای کسب قدرت آشکارا و پنهان با سایر اقوام رقابت کرده‌اند. قبیله هوسا عمدتاً مسلمان هستند و در شمال نیجریه زندگی می‌کنند. قبیله یوروبایا در جنوب و جنوب غربی نیجریه به سر می‌برند و از موقعیت اقتصادی و سیاسی خوبی برخوردارند و نیمی از آنها مسلمان و نیمی دیگر مسیحی هستند. قبیله ایبو که خاستگاه جنوب شرقی کشور است اکثراً مسیحی هستند. طبق گزارش سازمان جاسوسی آمریکا در سال ۲۰۱۸، مسلمانان حدود ۵۳,۵ درصد از جمعیت و مسیحیان رومنی و سایر مسیحیان نیز در مجموع حدود ۴۵,۹ درصد جمعیت

نیجریه را تشکیل داده‌اند (World Fact Book, 2018). عوامل متعددی در بی‌ثباتی این کشور نقش دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به کودتاهای مکرر، شکاف‌های قومیتی و اختلافات دینی و قبیله‌ای اشاره کرد (Gerami, 2009: 57). در هیچ دوره و زمانی بین مسلمانان و مسیحیان در این کشور سازگاری پایدار وجود نداشته و تنش‌های قومی و مذهبی، چه در دوره استیلای استعمار و چه در دوره پس از استقلال در این کشور، همواره منشأ حوادث و درگیری‌های خشونت باری بوده است. این روند موجب شده است که نیجریه زمینه‌ای مناسب برای رشد افراطی‌گری و جریان‌های تروریستی به شمار رود و بوکوحرام نیز با بهره‌برداری از این فرصت، مناطق گسترده‌ای از نیجریه را در اختیار و کنترل خود بگیرد (Gerami, 2009: 85).

تبلور عقیده جهاد برای برپایی دولت و خلافت اسلامی در شمال نیجریه، به رهبری «شیخ عثمان دن فودیو» ادر قرن نوزدهم، یکی از عوامل مهم فکری اثرگذار بر ایدئولوژی بوکوحرام و یکی از نقاط عطف و فرازهای حساس تاریخ مسلمانان غرب آفریقا به ویژه نیجریه است. این خلافت صد سال دوام آورد و در نهایت، با هجوم انگلیس به سرزمین نیجریه در هم شکسته شد (Mazrouei, 1987: 17). تأسی و اثرپذیری گروه بوکوحرام از شیخ عثمان دن فودیو و خلافت اسلامی وی در سخنان و خطابه‌های رهبران این گروه نمایان است. در یکی از ویدئوهایی که این گروه در فوریه ۲۰۱۵ منتشر کرد، ابوبکر شیکاو، رهبر این گروه، ضمن ستایش حکومت اسلامی اعلام نمود که بعضی از علمای دین نمی‌دانند مملکت عثمان دن فودیو چگونه به تبعیت از قرآن حکم می‌کرد (Nejat, 2019: 63). از نظر تعداد نیروهای رزمی، هرچند شمار اعضای بوکوحرام به درستی مشخص نیست، اما این جریان تروریستی، پیروانی در ۱۹ استان شمالی نیجریه، جمهوری نیجر، چاد و سودان دارد. اعضای سازمان، بیشتر از جوانان ناراضی، دانش‌آموختگان بیکار و کودکان خیابانی موسوم به «الماجری»ها هستند؛ این افراد چون وضع مالی خوبی ندارند، هم کار می‌کنند و هم در مدارس مذهبی علوم دینی از جمله قرآن

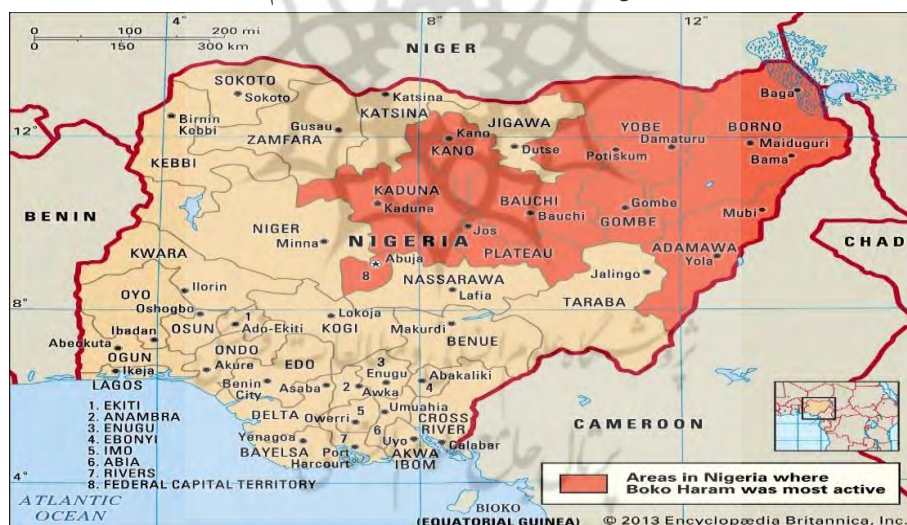
---

۱. Usman dan Fodio: شیخ عثمان در ۱۵ دسامبر ۱۷۵۴، در خانواده‌ای از قبیله فولانی متولد شد. وی فقه مالکی را در حضور داعی ابن کبیر، بزرگترین عالم غرب آفریقا فرا گرفت و مراحل بالای تصوف قادریه را طی کرد و به لقب شیخ نائل آمد (Olaosebikan, 2011: 2).



می‌آموزند. نیجریه ۵ میلیون الماجری دارد که ۸۰ درصد آنان در استان‌های شمالی به سر می‌برند. البته این سازمان اعضای باسواد، ثروتمند و متنغد مانند استادان دانشگاه، پیمانکاران و سیاستمداران نیز دارد که بیشتر تأمین‌کنندگان مالی این سازمان نیز هستند (Onuoha, 2012:3). گروه بوکوحرام در مرحله نخست ورود به میدان، حضور خود را در ایالت‌های بورنو، یوبه، کاتسینا و باوچی افزایش داد و با گذشت زمان تعداد زیادی از پیروان را به خدمت گرفت و ولایت‌هایی را تقریباً در تمام ایالت‌های شمال نیجریه به وجود آورد. در واقع، امارت‌های این گروه از مناطق وسیعی از ایالت بورنو در شمال شرقی نیجریه و برخی از جغرافیای محدود که در کمربندی ایالت یوبه قرار می‌گیرد تشکیل می‌شود (Al-Hawari, 2016:44). شکل (۴) نقشه مناطق تحت واپایش بوکوحرام را نشان می‌دهد:

شکل (۴): نقشه ایالت‌های تحت نفوذ بوکوحرام



Source: (Britannica, 2013)

به طور کلی، مناطق تحت کنترل بوکوحرام در نیجریه در طی سالهای ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ به اندازه کشورهای اسلواکی، کاستاریکا و بلژیک بود (Blair, 2015:6).

#### ۴-۴. منابع مالی و فعالیت‌های اقتصادی بوکوحرام

بوکوحرام بر خلاف سایر گروه‌های تروریست موج چهارم که کمک‌های خوبی را از کشورهای نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس دریافت می‌کنند، عمدتاً به کمک‌های مالی محلی خود متکی است. اگرچه نیجریه از نظر منابع نفتی غنی است ولی بوکوحرام بر خلاف داعش از طریق منابع نفتی درآمدزایی نمی‌کند. به طور کلی، درآمد بوکوحرام از طریق دریافت کمک‌های مالی هواداران، سرقت از بانک‌ها، غارت و چپاول اموال و کالاها، گروگان‌گیری، تجارت مواد مخدر و کمک‌های مالی خارجی از کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، تأمین می‌شود (Fanusie and Entz, 2017). که این منابع مالی در گزارش‌های اف. ای. تی. اف نیز مورد توجه بوده است (Fatf-Giaba, 2016). سازمان اطلاعات نیجریه چندین بار از پشتیبانی برخی از سیاستمداران شمال کشور از بوکوحرام پرده برداشته است؛ زیرا این سیاستمداران از اینکه رئیس جمهور مسیحی بر سر قدرت باشد ناراضی هستند؛ از این رو، بعد از به قدرت رسیدن «اولوسگون اوباسانجو» در دو دوره ریاست جمهوری در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ آنها از گروه تروریستی بوکوحرام به منظور ناامن و بی‌ثبات کردن کشور حمایت کردند (Estito, 2012:44). از دیگر کانال‌های تأمین مالی بوکوحرام ایجاد فعالیت‌های اشتغال‌زایی است. این گروه سعی کرده است از طریق اختصاص برخی منابع مالی، خود به صورت مستقیم درآمدزایی کند؛ از این رو، راه‌اندازی پروژه‌های کوچک برای اشتغال جوانان را در دستور کار قرار داده است. راه‌اندازی خطوط تاکسیرانی در مناطق دور دست و خارج از کنترل دولت، ایجاد خدمات شستشوی خودرو و فروش آب از جمله این موارد است. در حقیقت، بوکوحرام توانسته در ایجاد شبکه تجاری از مایدوگوری تا دیفا در جمهوری نیجر موفق عمل کند (Shokri, 2015:59). آدم‌ربایی نیز یکی دیگر از منابع تأمین هزینه فعالیت‌های تروریستی بوکوحرام است. بوکوحرام طی چند سال اخیر بیش از ده میلیون دلار را از طریق آدم‌ربایی و دریافت فدیة کسب کرده است. این گروه توانست در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ حدود چهار میلیون دلار از کامرون و در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ مبلغی در حدود ۷ میلیون دلار از دولت نیجریه دریافت کند (Onuoha and Oyewole, 2018:4).

هولناک‌ترین عملیات آدم ربایی بوکوحرام مربوط به آوریل ۲۰۱۴ می‌شود که در طی آن، ۲۷۶ دختر از یک مدرسه دخترانه ربوده شدند (Brown, 2014:5). دو هفته پس از عملیات ربایش دختران، ابوبکر شیکاو در ویدئویی اعلام کرد که «من دختران شما را ربودم! بازاری برای فروش انسان‌ها وجود دارد. خدا می‌گوید که من باید آن‌ها را بفروشم! او به من دستور می‌دهد که بفروشم!». دیگر منبع اصلی تأمین مالی گروه‌های تروریستی موج چهارم، تجارت و قاچاق مواد مخدر است و اعضای بوکوحرام نیز در بسیاری از فعالیت‌های جنایی و به طور عمده قاچاق مواد مخدر و به ویژه کوکائین فعالیت گسترده‌ای دارند. مطابق گزارش جهانی مواد مخدر سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است اعضای بوکوحرام به قاچاقچیان مواد مخدر نظیر هروئین و کوکائین کمک می‌کنند که این موارد را از طریق غرب آفریقا به اروپا قاچاق کنند. برخی از اعضای این گروه در محاکمه در دادگاه کشور چاد نیز اعتراف کردند که تعداد زیادی از عناصر بوکوحرام در قاچاق مواد مخدر نقش دارند (Taghrir Al-Mokhadarat Al-Alamiya, 2017:74). سرانجام از دیگر کانال‌های تأمین منابع مالی بوکوحرام، دسترسی به کمک‌های مالی از کشورهای خارجی به ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس است. مسئولان و مقامات امنیت ملی آمریکا نیز اعلام کرده‌اند که منابع مالی بوکوحرام از طریق رهبران دینی و موسسات خیریه این مناطق، تأمین می‌شود. به طور کلی، بخش قابل توجهی از منابع مالی که به غرب آفریقا و به طور خاص، نیجریه می‌رسد از طریق عربستان سعودی و قطر ارسال می‌شود. بخشی از این مبالغ مالی به شکل مستقیم به گروه‌های تروریستی و بخش دیگری به صورت غیرمستقیم به تأسیس مساجد برای گروه‌های سلفی و وهابی اختصاص داده می‌شود؛ به گونه‌ای که این مساجد خود نقش مهمی در جذب نیرو برای گروه‌های سلفی جهادی نظیر بوکوحرام ایفا می‌کنند (Dorsey, 2017:1). روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی در نیجریه بر این باورند که ارتباط مستقیمی بین سرازیر شدن پول‌های عربستان سعودی به شمال نیجریه و ظهور افراطی‌گری و نیز تلاش

۱. داده‌های بوکوحرام بر مبنای مستندات است که سرکرده این گروه در قالب فیلم‌های ویدئویی منتشر کرده است. این فیلم‌ها به زبان هوسایی منتشر و متن آنها پس از ترجمه به زبان انگلیسی در سایت‌های مختلف قرار گرفت. مطالب این بخش برگرفته از ترجمه این مستندات است که از سایت‌هایی همچون [newsrescue.com](http://newsrescue.com)، [www.premiumtimesng.com](http://www.premiumtimesng.com)، [www.thenational.ae](http://www.thenational.ae)، گرفته شده است.

برای به حاشیه راندن شیعیان وجود دارد به ویژه آنکه عربستان مدارس خاصی را برای آموزش سلفی‌گری بنا کرده است (Zain, 2015: 11). اعترافات اعضای کلیدی گروه بوکوحرام نشان می‌دهد که در آغاز، اعضای گروه القاعده آن را تأمین مالی می‌کرده‌اند و پیوندها میان بوکوحرام و القاعده در مغرب اسلامی نیز راه را برای دسترسی این گروه به منابع مالی گروه‌های سلفی در عربستان سعودی باز کرده است (Abbaszadeh Fathabadi, 2014: 27).

### ۵. تحلیل ژئوپلیتیکی روند تهدیدات بوکوحرام

ژئوپلیتیک به عنوان دانشی که به بررسی رابطه قدرت و سیاست و جغرافیا می‌پردازد با ایده‌های هویت ملی بسیار نزدیک است و رابطه سیاست‌های هویتی و مسائل قلمرو، روابط ژئوپلیتیکی را شکل می‌دهد (Dodds, 2013: 83). آن گونه که در این مقاله نشان داده شد، رسالت هویتی و ایدئولوژیک و راهبرد گروه بوکوحرام به ویژه طی یک دهه گذشته سرنگون کردن دولت سکولار نیجریه و برپا داشتن قانون قاطع شریعت اسلام سلف در چارچوب دولت اسلامی بوده است. با این وصف آن چنان که تحلیل روندها نشان می‌دهد بوکوحرام محدودیتی برای فعالیت در مرزهای نیجریه برای خود قائل نیست و داعیه ایجاد خلافت به واسطه کمک‌های بین‌المللی برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس و روش‌های مختلف تأمین مالی و دعوت مذهبی، جمعیت منطقه غرب آفریقا را به میزان قابل توجهی مستعد پذیرش حاکمیت این گروه کرده است. آن‌چنان‌که این مقاله نشان داد، بوکوحرام را دیگر نمی‌توان یک جریان تروریستی مذهبی ساده دانست، بلکه باید آن را جنبشی چندملیتی و در پی دولت‌سازی در نظر گرفت که از خاستگاه فکری در سطح بین‌الملل برخوردار است و تا کنون توانسته با بهره‌گیری از تجربیات سیاستمداران داخلی و کمک‌های خارجی به‌طور پیوسته ساختار داخلی و قوانین عملکردی خود را تقویت و سازمان را در حالتی سیال نگاه دارد؛ از این منظر، برگزیدن اسامی مختلف از زمان آغاز فعالیت تا به امروز، پیوستگی و برتری سازمانی تروریسم بوکوحرام را در مقایسه با سایر گروه‌های تروریستی غرب آفریقا، نشان می‌دهد. به بیان بهتر مروری بر روند واژگانی که بوکوحرام از دل

آنان متولد شد نشان می‌دهد که سیر تطور واژگان این گروه تروریستی همواره به گسترش و بین‌المللی شدن نظر داشته است.

جدول (۲): روند تطور اسامی بوکوحرام در یک دهه گذشته

نام گروه	مکان شکل‌گیری	رهبر گروه	سال تأسیس
اهل سنه و الهجره	شهر مایدوگوری در ایالت بورنو	ابوبکر لاوان	۱۹۹۵-۲۰۰۴
اهل سنه و الجهاد (یوسفیه)	شهر کاما در ایالت یوبه	محمد یوسف	۲۰۰۴-۲۰۰۹
بوکوحرام	۱۹ استان شمالی نیجریه	ابوبکر شیکاو	۲۰۰۹-۲۰۱۶
دولت اسلامی ولایت غرب آفریقا	کشورهای چاد، نیجر، بنین و مالی	ابومصعب البرناوی	۲۰۱۶ تاکنون

به نحوی که واژه «طالبان نیجریه» یا «اهل سنت و هجرت» به «اهل سنت و جهاد»، سپس «بوکوحرام» و در ادامه «دولت اسلامی ولایت غرب آفریقا» بدل شده است. این مقاله با استناد به یافته‌های حاصل از روندپژوهی ایدئولوژی، تشکیلات، اقدامات تروریستی و کمک‌های مالی بوکوحرام، می‌تواند این سناریو را مطرح کند که بوکوحرام که خود را در قالب جنبشی شبه‌مذهبی در ابعاد بین‌المللی تعریف کرده است با کسب قلمرو و نظام‌سازی، درصدد است ضمن دفاع از موقعیت خود و انتقام از «دیگری»، با تاکتیک‌های تبلیغاتی و کاربست بی‌رویه خشونت، به صورت یک ایدئولوژی توتالیتر در غرب و شمال غرب آفریقا اعمال قدرت کند. به عبارتی روند تروریسم بوکوحرام را می‌توان حاصل تکامل نیروهای مدرن و سکولاری در نظر گرفت که به دلایل عملیاتی، خود را با ساخت مذهب هماهنگ کرده‌اند و در عین حال از کمک‌های بین‌المللی سلفی‌ها نیز برخوردارند. نکته مهم این است که این جنبش بر خلاف نهادهای مقدس سنتی، سازمان‌های مدرن یکپارچه، پیچیده، خودمختار و به لحاظ شناختی متمایز هستند که به آنها امکان عمل موثر در میان توده‌ها را می‌دهد. همچنان که در این نوشتار نشان داده شد ایدئولوژی شبه‌مذهبی و خشونت غیرمتعارف این موج تروریستی از مهم‌ترین مؤلفه‌های «متاژئوپلیتیکی» آن است که می‌تواند منجر به ایجاد تغییرات ژئوپلیتیکی از سوی این گروه تروریستی شود. تلاش برای سرنگونی نظام‌های سکولار و اجرای قاطعانه آموزه‌های شریعت اسلامی، ایجاد دولت

اسلامی و تغییر نظام آموزشی از جمله مأموریت‌های ایدئولوژیک بوکوحرام عنوان شده است و عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی نیز در توسعه بوکوحرام نقش دارند. از سوی دیگر، تاریخ تحولات سیاسی نیجریه که از زمان استقلال در سال ۱۹۶۰ تاکنون با وضعیتی از بی‌ثباتی، هرج و مرج و ناامنی روبه‌رو بوده این امکان را برای بوکوحرام فراهم کرده است تا با بهره‌برداری از فرصت، نیروهای متعددی را جذب و سازماندهی کند و مناطق گسترده‌ای از نیجریه را در اختیار بگیرد. افراط‌گرایان بوکوحرام همچنین توانسته‌اند با گسترش روابط خود با گروه‌های سلفی رادیکال و بهره‌برداری از حمایت و پشتیبانی آنها، خود در نقش بازیگر اثرگذار ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آفریقا نشان دهند. در این میان کشور عربستان سعودی که با دسترسی به خلیج فارس و دریای سرخ، داشتن یک‌چهارم ذخایر نفتی جهان، قرار گرفتن کعبه به‌عنوان قبله‌گاه مسلمین جهان و بهره‌گیری از منافع فرهنگی و مادی زائران، موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فردی در سطح جهان دارد، با حمایت ویژه خود از گروه بوکوحرام در برابر شیعیان نیجریه در حال تقویت پیوندهای رهبری ژئوپلیتیکی خود از شرق تا غرب آفریقا است. در همین حال، هم‌سنجی اقدامات داعش در عراق و سوریه و بوکوحرام در نیجریه آشکار می‌کند که تهدید ژئوپلیتیکی این دو گروه شباهت‌های بسیار زیادی باهم دارند و بوکوحرام با الگوبرداری از اقدام داعش در تصرف عراق و شام و اعلام خلافت اسلامی همان مسیری را طی می‌کند که داعش پیموده است با این تفاوت که داعش در نهایت مغلوب نظم منطقه‌ای غرب آسیا و قدرت ایران شد اما هیچکدام از دولت‌های غرب آفریقا توان میدانی مانند جمهوری اسلامی ایران را در برخورد با تهدید بوکوحرام ندارند.

## ۶. نتیجه‌گیری

گروه‌های تروریستی با هدف ایجاد هراس برای تغییر، تحول یا تخریب پدید می‌آیند. با این‌همه در خصوص گروه‌های تروریستی که با ابزار مذهب ابراز وجود می‌کنند، وضعیت تا اندازه‌ای متفاوت و در خصوص گروه افراطی بوکوحرام در غرب آفریقا که تا کنون فاقد دولت اسلامی بوده است، این مسئله پیچیدگی‌های بیشتری دارد. به بیان بهتر بوکوحرام که در ابتدای شکل‌گیری، در قالب جنبشی تبلیغی ظاهر شد که به صورت مسالمت‌آمیز فعالیت می‌کرد به تدریج،

جهاد مسلحانه و اعمال خشونت‌آمیز را جایگزین رویکرد صلح‌آمیز خود کرد و به صورت یک جریان تروریستی تمام‌عیار در غرب آفریقا بدل شد. این مقاله با استفاده از نظریه امواج تروریسم دیوید راپاپورت نشان داد که تروریسم بوکوحرام را می‌توان از سنخ موج چهارم یا پنجم تروریسم بین‌المللی قلمداد کرد که خشونت خود را همراه با ایجاد شبه دولت پیگیری می‌کند و می‌کوشد با کنترل بخش‌هایی از قلمرو نیجریه و با ایجاد حاکمیتی جدید بر حملات تروریستی برای تصرف بخش‌های مسلمان‌نشین کشورهای ضعیف همسایه متمرکز شود. در این چارچوب نظری مقاله این پرسش را مطرح کرد که تهدید بوکوحرام چه تأثیری بر ژئوپلیتیک منطقه غرب آفریقا دارد و بوکوحرام چگونه می‌تواند ژئوپلیتیک منطقه را متأثر از خود کند؟ در پاسخ به این پرسش مقاله نشان داد که بوکوحرام محدودیتی برای فعالیت در مرزهای نیجریه برای خود قائل نیست و داعیه ایجاد خلافت به واسطه کمک‌های بین‌المللی برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس و روش‌های مختلف تأمین مالی و دعوت مذهبی، جمعیت منطقه غرب آفریقا را به میزان قابل توجهی مستعد پذیرش حاکمیت این گروه کرده است. بوکوحرام در سال‌های اخیر، راهبرد رسانه‌ای مشخص و گسترده‌ای را بر مبنای تلاش برای عضوگیری نیروهای جهادی، ترویج خشونت، مشروعیت‌سازی و فراخواندن پیام‌های خود برای طرفداران و دشمنان در پیش گرفته و در همین راستا، منطقه غرب آفریقا (به ویژه نیجریه) را به جولانگاه اصلی اقدامات مخرب خود تبدیل کرده است. تأسیس دولت اسلامی که می‌تواند خلأ قدرت را در منطقه پر کند از مهم‌ترین برنامه‌های بوکوحرام برای توسعه ژئوپلیتیکی در غرب آفریقا است و بدین ترتیب، بوکوحرام را می‌توان نماد یک گروه تروریستی دانست که با برقراری خلافت اسلامی تلاش می‌کند خود را نماینده اقشاری از مسلمانان غرب آفریقا معرفی کند که در دنیای سردرگم مدرنیته غربی به دنبال ملجأ و پناهگاه هستند.

#### ۷. قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس به واسطه حمایت‌های مادی و معنوی از این پژوهش، سپاسگزاری کنند.

## References

1. Abbaszadeh Fathabadi, M (2014), Boko Haram: Extremist Islamist sect in Nigeria, Etellate-Eghtesadi Va Siasi, Summer. No. 296. **[In Persian]**
2. Ahmadipour; Jonidi, R; Aghagolzadeh, F (2017), The Concept of Geopolitical Discourse of Terrorism; Bush Administration's Geopolitical Imagination of the Middle East, Geopolitics Quarterly, Volume 12, Issue 43, Pp 28-53. **[In Persian]**
3. Al-Hawari, A (2016), The rivalry of ISIS and al-Qaeda for Africa, Afriqiyya website. **[In Arabic]**
4. Arendt, H (2013), The Roots of Totalitarianism, Translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Javidan Publications. **[In Persian]**
5. BBC NEWS, (2011), Nigeria's Boko Haram Islamists 'bombed Abuja police HQ, Available online at: <https://www.bbc.com/news/world-africa-13805688>.
6. Be-Atayyib, M (2014), Boko Haram, Niger: Founding contexts and confrontational paths, the portal of Islamic movements. **[In Arabic]**
7. Blair, D (2015), Boko Haram Is Now a Mini Islamic State, with Its Own Territory, at: <https://www.telegraph.co.uk>. (doi:11.337722/2015).
8. Brown, G (2014), A Generation Held Hostage? At: <https://thescoopng.com>(doi:11.337710/2014).
9. Burnett, J; Whyte, D (2005). Embedded Expertise and the New terrorism Journal for Crime, Conflict and the Media, 1 (4).
10. Campbell, J (2020), Nigeria Security Tracker, Available online at: <https://www.cfr.org/nigeria/nigeria-security-tracker/p29483>
11. Chikwem, F.C. (2013), Boko Haram and Security Threat in Nigeria: A New Twist of Political Game in Town, Department of Political Science. University of Nigeria, Nsukka, Enugu State, Nigeria Dabiq, 15 volumes.
12. Cornish, E. (2004), Futuring: the exploration of the future. World Future Society
13. Dodds, K (2013), Geopolitics: A Very Short Introduction (1st edn), Oxford University Press.
14. Dorsey, J (2017), What Will trump Do About Saudi Arabia? The Globalist, available online at: <https://www.theglobalist.com/donald-trump-do-about-saudi-arabia-united-states/>.
15. Doukhan, D (2013), Boko Haram: An Update ABD Some Thoughts About Who is Sponsoring Boko Haram, International Institute for Counter Terrorism, October 31. Available online at: <https://i-hls.com/wp-content/uploads/2014/02/Boko-Haram-Funding-David-Doukhan.pdf>.
16. Estito, I (2012), Boko Haram killing to implement Sharia law, Al-Manar TV site. **[In Arabic]**



17. Fanusie, Y.J.; Entz, A (2017), Boko Haram Financial Assessment, Center on Sanctions & Illicit Finance (CSIF), Available online at: [https://s3.us-eastamazonaws.com/defenddemocracy/uploads/documents/CSIF\\_Boko\\_Haram.pdf](https://s3.us-eastamazonaws.com/defenddemocracy/uploads/documents/CSIF_Boko_Haram.pdf).
18. Fatf Glaba-Gabac (2016), Terrorist Financing in West and Central Africa, fatf, Paris [www.fatf-gafi.org/publications/methodsandtrends/documents/terrorist-financing-west-central-africa.html](http://www.fatf-gafi.org/publications/methodsandtrends/documents/terrorist-financing-west-central-africa.html)
19. Fathi, A (2015), Boko Haram: The Crisis of Religious Pluralism Management in Nigeria, Egypt Arab website. **[In Arabic]**
20. Gerami, B (2009), Federal Republic of Nigeria, Tehran: Ministry of Foreign Affairs. **[In Persian]**
21. Gordon, T (1994), Trend impact Analysis, Futures Research methodology, available online at: <http://www.foresight.pl/assets/downloads/publications/Gordon1994-Trendimpact.pdf>
22. Honig; Ido, Y (2019), A Fifth Wave of Terrorism? The Emergence of Terrorist Semi-States, Terrorism and Political Violence, 31:6, 1210-1228, DOI: 10.1080/09546553.2017.1330201 <https://issafrica.org/research/books-and-other-publications/factional-dynamics-within-boko-haram>.
23. Kaplan, J (2007), The Fifth Wave: The New Tribalism?, Terrorism and Political Violence, 19:4, 545-570, DOI: 10.1080/09546550701606564.
24. Karam, S (2014), Boko Haram Caliphate After ISIL; Al-Tada'iyat wa Al-Mukhtar, the Treaty of Al-Arabiya for the Leaders. **[In Arabic]**
25. Kriel, R (2017), Boko Haram Favors Women, Children as Suicide Bombers, Study Reveals, at: <https://www.financialexpress.com/world-news/boko-haram-favours-women-children-as-suicide-bombers-study/802082>.
26. Mahmood, O.S; Ndubuisi, C.A (2018), Factional Dynamics Within Boko Haram, Available online at: [https://books.google.com/books/about/Factional\\_Dynamics\\_Within\\_Boko\\_Haram.html?id=rp12zQEACAAJ](https://books.google.com/books/about/Factional_Dynamics_Within_Boko_Haram.html?id=rp12zQEACAAJ)
27. Marshal, R (2012), Boko Haram and Resilience of Militant Islam in northern Nigeria, NOREF Report: <https://www.files.ethz.ch/isn/147775/228>.
28. Mazrouei, M.H (1987), Islam in Nigeria, Kayhan Farhangi, No. 37. **[In Persian]**
29. Nejat, S.A (2019), Bukhram; As I called Amalit Am Ta ta Jihad, his armed men, first pays, Tehran: a well-founded, modern foundation. **[In Persian]**
30. Nigeria Inform Risk Index (2019), Available online at: <https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/NGA%20Inform%202019%20Dashboard.pdf>

31. Olaosebikan, A (2011), The Fulani Jihad and its Implication for National Integration and Development in Nigeria an International Multidisciplinary Journal, Ethiopia Vol. 5 (5), Serial No. 22.
32. Onawa, F (2015), Boko Haram and female suicide bombers in Nigeria; Women's employment implications, Doha: Al-Jazeera Center for Studies.[In Arabic]
33. Onuoha, F (2012), Boko Haram: Nigeria's Extremist Islamic Sect, Aljazeera Center for Studies,29 February.
34. Onuoha, F; Oyewole, S (2018), Anatomy of Boko Haram: The Rise and Decline of a Violent Group in Nigeria, Aljazeera Center for Studies.
35. Ranstorp, M (1996), Terrorism in the name of religion, Journal of International Affairs, Vol. 50.
36. Rapoport, D. (2004), The Four Waves of Modern Terrorism, in Audrey Kurth Cronin and James M. Ludes (eds.), Attacking Terrorism, Elements of a Grand Strategy, Washington, D.C: Georgetown University Press.
37. Schmid, A.P. (2011), Handbook of Terrorism Research. London, Routledge.
38. Shabana, A (2014), Islamic movements in Africa and Nasha Boko Haram, the site of the Hadith Modern Egypt portal.[In Arabic]
39. Shaker, M (1994), The Judgment of Al Jahiliya, Cairo: Nubar Printing House.[In Arabic]
40. Shukri, N (2015), Boko Haram: Salafiya Jihadia in Africa, Cairo: Arab Knowledge Bureau.[In Arabic]
41. Simon, J (2010), Technological and Lone Operator Terrorism: Prospects for a Fifth Wave of Global Terrorism, Terrorism, Identity and Legitimacy. Ed. Jean E. Rosenfeld Routledge.
42. Taghrir Al-Mokhadarat, Al-Alamiya (2017), full summary, conclusions and policy implications, United Nations website.[In Arabic]
43. Tsjeng, Z (2017), Boko Haram Used 55 Girls as Human Bombs This Year,at: [https://broadly.vice.com/en\\_us/article/need\\_5w/the-girls-being-used-as-human-bombs-in-nigeria](https://broadly.vice.com/en_us/article/need_5w/the-girls-being-used-as-human-bombs-in-nigeria).
44. Weise, C (2015). The Islamic State West Africa Continues to Utilize Women as Suicide Bombers,Fdd s Long War Journal,p:1,( doi:10.12015/09).
45. World Fact Book (2018), Nigeria, Available online at: <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ni.html>
46. Yusuf, M (2008), this is our doctrine and methodology of our calling, second edition, his library of strangers.[In Arabic]
47. Zain, Y (2015), Boko Haram International Communications, Center for Combating Terrorism.[In Arabic]